

این بیت از فردوسی نیست

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه ادبیات و فلسفه :: آبان 1384 - شماره 97
از 50 تا 55
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/35504>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی
تاریخ دانلود : 03/11/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

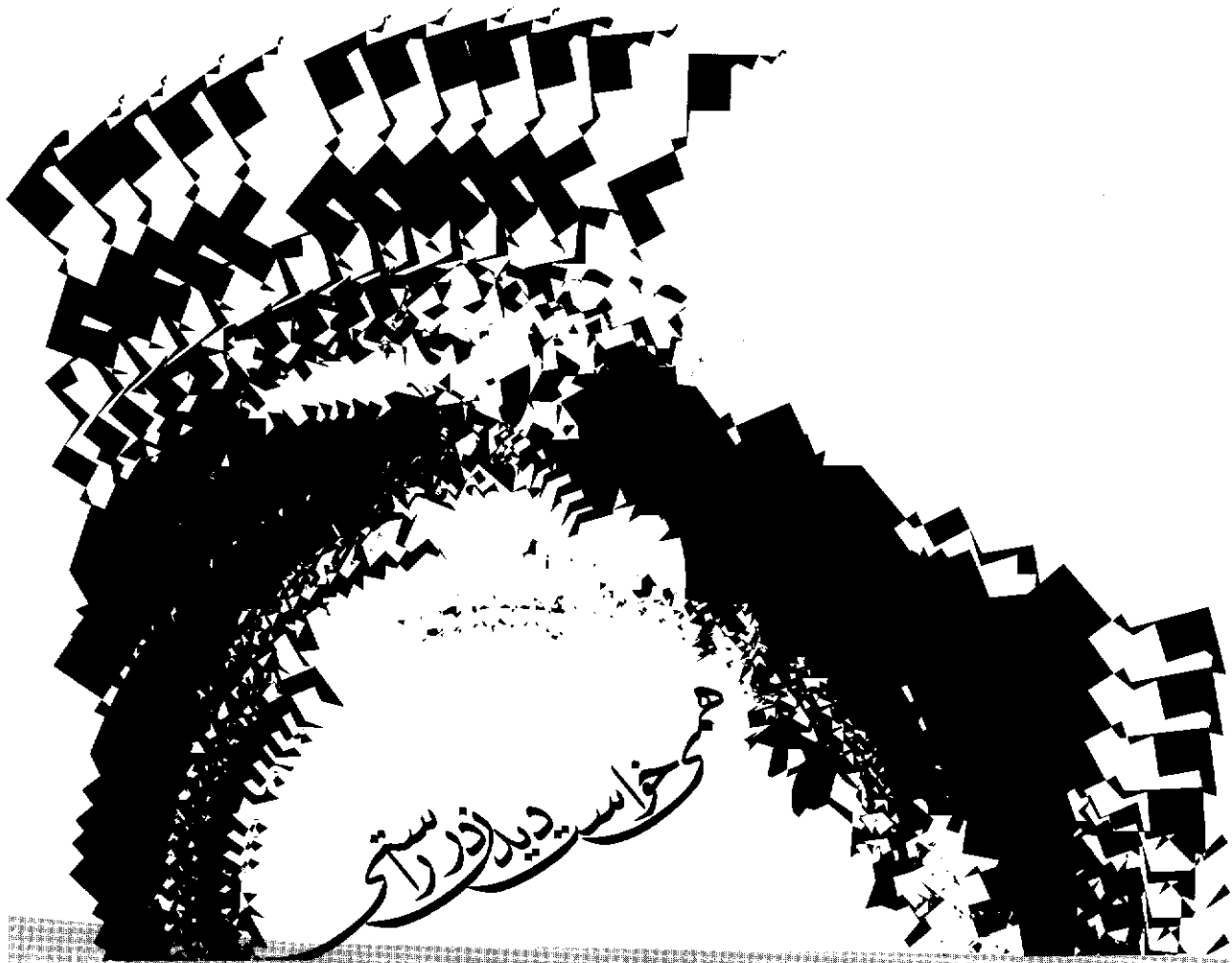
www.noormags.ir

این بیت از فردوسی نیست

که فردوسی در ابتدای داستان سودابه و سیاوش بیان می‌کند و از منظر او سودابه نمونه شومی و بدبختی موجودی آلوده و پرگناه است.^۳ در کتاب **جاذبه‌های فکری فردوسی** در فصل «مقام زن» می‌خوانیم: «اگر فردوسی مثلاً زن و اژدها را با هم یکی می‌داند همان زنی است که قرآن مجید تعبیر بسیار جالبی از او دارد: *و من شر الثقات فی العقد*»^۴ مؤلف **راز بقای ایران در سخن فردوسی** پس از نقل چند بیتی که آخرین آنها «زن و اژدها هر دو در خاک ...» است، نوشته‌اند: «معمولاً بیت اخیر را بعضی مردان می‌خوانند اما همان مردان در آن لحظات، بیت پیشین را به دست فراموشی می‌سپزند، شنونده هم خیال می‌کند که نظر فردوسی در همین بیت اخیر است.»^۵ در کتاب **زن در شعر فارسی** آمده است: «در جایی رستم، زن و اژدها را کنار هم قرار می‌دهد و هر دوی آنها را ناپاک می‌داند که شایسته مرگ هستند.»^۶ دکتر باستانی پاریزی در فصل «گذاری با زن از گذار زندگی» از کتاب **سنگ هفت قلم** با توجه به همین بیت معتقدند: «حتی در مورد مناسبات زن و شوهری نیز فردوسی وحشتش بر تهورش می‌چربید که گاهی از زن به عنوان اژدها

سال‌هاست که در بعضی پژوهش‌ها و مصاحبه‌های شاهنامه‌شناسی، بیتی معروف دست‌آویز داوری و نتیجه‌گیری درباره موضوع «زن در شاهنامه» قرار گرفته است و می‌گیرد: زن و اژدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این (زین) هر دو ناپاک به
برای نمونه: یکی از شاهنامه‌پژوهان با استناد به این بیت و دو بیت پیش از آن نوشته‌اند: «گزاینده‌تر و تندتر سخنی که در شاهنامه از خامه فردوسی در حق زن نقش صفحه شده است، در این داستان [داستان سیاوش] است» و درباره بیت سوم از آن ابیات یا همان بیت مورد بحث معتقدند: «اگر در بیت سوم حکمی تند و سخنی گست و تلخ نهفته است، باز از آن مقدمات ناروا [نابکاری‌های سودابه] ناشی است و قابلیت توجیه دارد.»^۱ در کتابی علمی-تحقیقی که در اصل برای درس ادبیات حماسی در دوره دکتری ادبیات فارسی تألیف شده، این بیت یکی از مستندات برخوردارهای تند و خشن فردوسی با زنان است.^۲ در کتاب **ارسال المثل** در شاهنامه پس از ذکر این بیت، آمده است: «بیت فوق نفرینی است



یاد می‌کرد»^۷

نویسنده مقاله «زن در شاهنامه فردوسی» به خوانندگان تذکر می‌دهند که «اگر جایی در خلال شاهنامه بخوانند: زن و اژدها هر دو ... باید همه حکایت را مطالعه کنند تا خود با نكوهش دیوی فرشته روی با استاد طوس همداستان گردند.»^۸ در مقاله‌ای دیگر هم نویسنده با استناد به این بیت و دو بیت ماقبل آن به این نتیجه رسیده‌اند که در شاهنامه: «درباره زنان هم اگر ناپارسای می‌شدند یا خطایی از آنان سر می‌زد به همین کیفیت اظهار نفرت و بی‌زاری می‌شد.»^۹ مرحوم احمد شاملو در گفت‌وگویی با مجله آدینه تصریح کرده‌اند که: «در شاهنامه زن و اژدها هر دو ناپاک به قلم می‌روند و لایق فرورفتن در خاک شمرده می‌شوند و هر سگی به صد زن و آن هم نه هر زن از خدایی خبر بلکه به طور دقیق به صد زن پارسا ترجیح داده می‌شود.»^{۱۰} یکی از شارحان شاهنامه نیز در مصاحبه‌ای گفته‌اند: «کاراکتر مرد شاهنامه می‌تواند ... زن را ناپاک و نیرنگ‌باز بداند (زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به)»^{۱۱}

در جدیدترین پژوهشی هم که در موضوع «زن در شاهنامه» منتشر شده، درباره جایگاه بانوان در حماسه ملی ایران می‌خوانیم: «و چه زیبا چکیده تفکر در باب زنان در بیتی خلاصه شده است: زن و اژدها هر دو در خاک به ...»^{۱۲}

با ملاحظه شهرت و رواج این بیت به نام فردوسی در میان خواص و پژوهشگران - که شاید با استقصای بیشتر بر شمار شواهد آن نیز افزوده شود - طبیعی است که در بین خوانندگان و علاقه‌مندان شاهنامه و به‌طور کلی عامه مردم، بیت «زن و اژدها هر دو ...» از ابیات اصیل شاهنامه و نظرگاه رسمی فردوسی درباره زنان تلقی شود چنانکه غیر از گفت‌وگوهای شفاهی در برخی از یادداشت‌ها و نوشته‌های اینترنتی نیز این بیت به نام فردوسی مبنای بحث و بررسی واقع شده است که خود می‌تواند عامل مهمی در تقویت و تثبیت انتساب آن به شاهنامه در ذهن و زبان مراجعان و خوانندگان غیرمتخصص باشد.

در شماری از چاپ‌های شاهنامه از جمله: کلکته، چاپ سنگی بمبئی (۱۲۷۶ ه. ق.)، شاهنامه امیربهداری، کلاله خاور، شاهنامه انتشارات

ایران باستان، چاپ انتشارات امیرکبیر و چاپ دکتر دبیر سیاقی، در داستان سیاوش و به هنگام آماده شدن شاهزاده برای عبور از آتش آزمون، پس از این چهار بیت اصلی:

نهادند هیزم دو کوه بلند

شمارش گذر کرد بر چون و چند

ز دور از دو فرسنگ هر کس بدید

چنین جُست باید بلا را کلید

همی خواست دیدن در راستی

ز کار زن آید همه کاستی

چون این داستان سر بسر بشنوی

به آید ترا گر به زن نگروی

(خالقی ۲/۲۳۴-۴۷۳-۴۷۶)

دو بیت زیر آمده است:

به گیتی بجز پارسا زن مجوی

زن بدکنش خواری آرد به روی

زن و ازدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این (زین) هر دو ناپاک به^{۱۳}

و از همین جاست که بیت دوم به عنوان نظر زن ستیزانه فردوسی بر زبان‌ها افتاده و حتی در پژوهش‌های علمی و رسمی نیز راه یافته است در حالی که در هیچ یک از ۱۵ دست‌نویس معتبر و کهن شاهنامه که پایه تصحیح علمی - انتقادی دکتر خالقی مطلق بوده‌اند^{۱۴} و نیز دو نسخه حاشیه ظفرنامه مستوفی (قرن هشتم ه. ق) و سعدلو / چاپ عکسی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (احتمالاً متعلق به قرن هشتم ه. ق)^{۱۵} این بیت در بخش مربوط از داستان سیاوش دیده نمی‌شود. در «اختیارات شاهنامه» علی بن احمد (تدوین ۴۷۴ یا طبق نظری ۵۷۴ ه. ق) هم که چند بیت از ابیات نکوهش زنان در شاهنامه آمده است،^{۱۶} این بیت وجود ندارد و به احتمال بسیار اگر در نسخه بسیار کهن مورد استفاده وی چنین بیتی بود به دلیل شدت و برجستگی خوارداشت، آن را در کنار چند بیت دیگر ذکر می‌کرد.^{۱۷} به عنوان قرینه‌ای فرعی این نکته را هم باید در نظر داشت که سنایی در حدیقه آنجا که «اندر مذمت دختر» به سخنی از فردوسی استناد کرده، گفته است:

چه نکو گفت آن بزرگ استاد

که وی افکند شعر را بنیاد

کانکه را دختر است جای پسر

گرچه شاهست هست بد اختر^{۱۸}

که منظور او این بیت از زبان افراسیاب در داستان بیژن و منیژه است: که را از پس پرده دختر بود

اگر تاج دارد بد اختر بود

(خالقی ۳/۲۲۲-۲۳۵)

در صورتی که باتوجه به چندبیتی که وی در طعن و سرزنش دختران سروده (صص ۶۵۷ و ۶۵۸) اگر در شاهنامه مورد اختیار خویش - که دست‌نویسی قدیمی و متعلق به پیش از (۵۲۵ ه. ق) بوده - بیت درشت و کوبنده‌ای چون: «زن و ازدها هر دو... راهی یافت، بی‌گمان بدان اشاره می‌کرد تا بار و پشتوانه مذمت خود را سنگین‌تر کرده باشد.

علاوه بر این اسناد و قراین نسخه‌شناسی، در هیچ یک از چاپ‌های

معتبر شاهنامه هم مانند: تصحیح ژول مول، چاپ مسکو، داستان سیاوش بنیاد شاهنامه، تصحیح آقای مصطفی جیحونی و چاپ دکتر جلال خالقی مطلق این بیت نیامده است و همچنان که قبلاً نیز بعضی محققان به تأکید نوشته و گفته‌اند،^{۱۹} بیت: «زن و ازدها هر دو در خاک به...» از سخیف‌ترین ابیاتی است که در تاریخ استنساخ و تصحیح شاهنامه به نام فردوسی **جعل و الحاق** شده است.

درباره زمان و عامل این جعل و الحاق نمی‌توان قاطعانه نظر داد اما باتوجه به اینکه بیت مورد بحث در ۱۵ دست‌نویس معتبر مبنای چاپ دکتر خالقی مطلق که متعلق به فاصله سال‌های ۶۱۴-۹۰۳ ه. ق. هستند و نیز دو نسخه سعدلو و حاشیه ظفرنامه، هر دو از قرن هشتم ه. ق، نیامده است، شاید از قرن نه و اوایل سده دهم به بعد در برخی نسخ کم‌اعتبارتر شاهنامه افزوده شده و از آنجا به چند چاپ غیرمعتبر راه یافته است. زنده‌یاد علامه دهخدا در **امثال و حکم** (همان، ج ۲، ص ۹۲۷) پس از اسناد صورت معروف بیت: «زن و ازدها هر دو...» به فردوسی، در زیر آن افزوده‌اند: «تمثل: زن و ازدها هر دو در خاک به / وزین هر دو روی زمین پاک به (اسدی)»^{۲۰} این بیت در متن **گرساسپ‌نامه** اسدی توسی نیست و در نسخه اساس تصحیح شادروان استاد یغمایی، در داستان مکر همسر و دختر شاه کابل برای کشتن گرساسپ و آشکار شدن راز آنها، به مناسبت ابیاتی که درباره زنان آمده، درحاشیه افزوده شده است.^{۲۱} تاریخ کتابت این دست‌نویس ۸۶۰ ه. ق. است بر این اساس آیامی توان حدس زد که بیت مذکور - با تغییری جزئی در مصراع دوم - از این نسخه **گرساسپ‌نامه** در بعضی دست‌نویس‌های **شاهنامه** (از قرن نهم و دهم به بعد) وارد شده باشد؟ در طول زمان، ابیات متعددی از **گرساسپ‌نامه** در تعدادی از نسخ شاهنامه و به نام فردوسی راه یافته^{۲۲} که اتفاقاً یکی از آنها نمونه دیگری در همین موضوع «نکوهش زنان» است:

زنان را از آن نام ناید بلند

که پیوسته در خوردن و خفتند

(**گرساسپ‌نامه**، ص ۱۰)

این بیت در نسخه‌های بریتانیا/لندن (۶۷۵ ه. ق)، قاهره (۷۹۶) و برلین (۸۹۴) از زبان رستم به زال آمده (← خالقی ۱/۳۳۲/حاشیه ۴) و از آنها در شماری از چاپ‌های شاهنامه وارد شده است، یا این بیت مشهور در توصیف تیزیینی اسب فرستاده اثر ط:

پی مورچه بر پلاس سیاه

بدیدی شب تیره صد میل راه

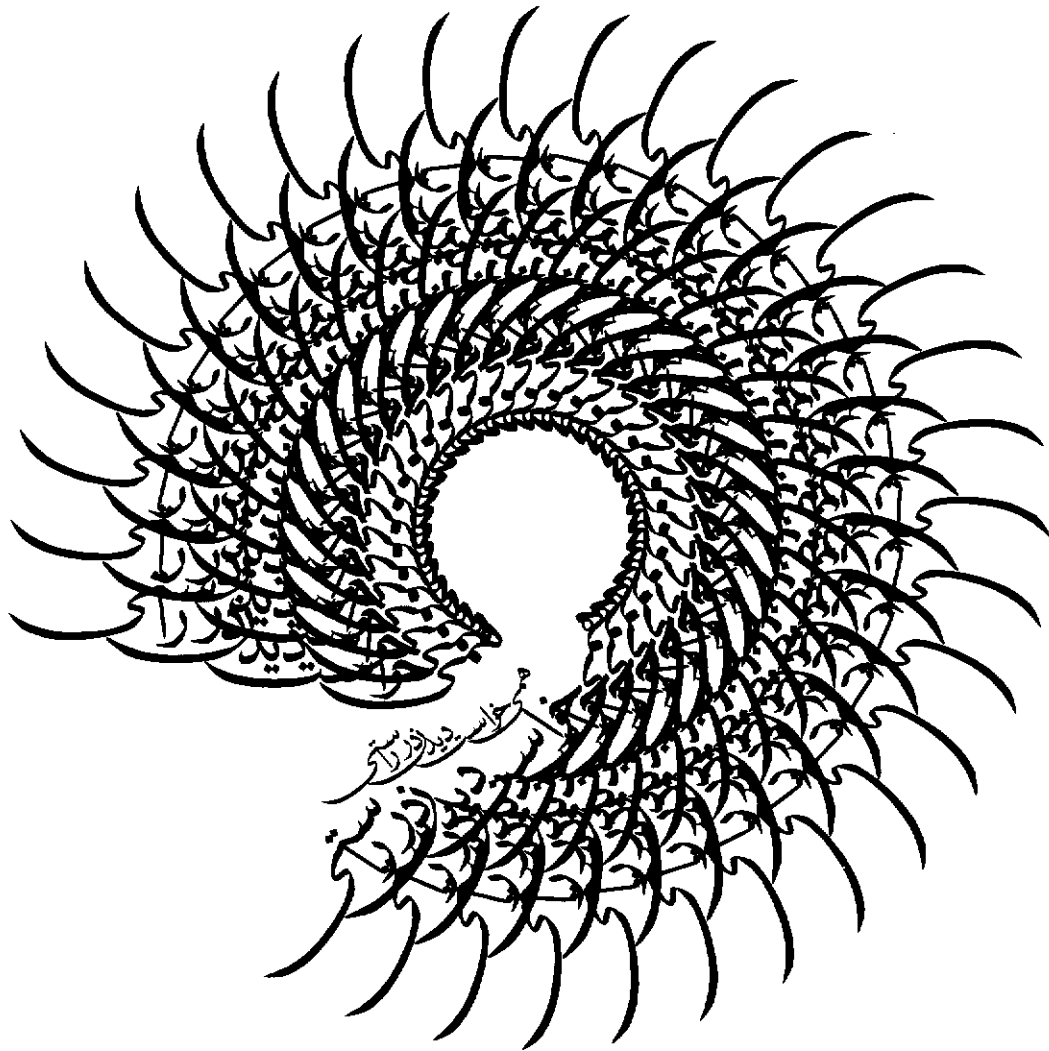
(**گرساسپ‌نامه**، ص ۲۴۲)

که در سه دست‌نویس لنینگراد (۷۳۳ ه. ق)، لیدن (۸۴۰) و انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹) با تغییراتی، درباره رخس رستم آمده (← خالقی ۱/۳۳۵/حاشیه ۱۸) و حتی در برخی نوشته‌های تحقیقی نیز به نادرست از شاهنامه دانسته شده است:

به شب مورچه بر پلاس سیاه

نمودی به گوش (بدیدی به چشم) از دو فرسنگ راه

اینکه بیتی از **گرساسپ‌نامه** بعدها با تغییراتی به فردوسی نسبت داده شده، قرینه و شاهد قابل توجهی برای تقویت حدس پیش گفته است



که شاید بیت:

«زن و ازدها هر دو...» نیز از نسخه (۸۶۰ هـ. ق) **گر شاسپ نامه** با تفاوت و اختلافی اندک در مصراع دوم، وارد دست‌نویس‌هایی از شاهنامه شده باشد ولی در هر صورت این بیت نه سروده فردوسی است و نه از اسدی توسی چون در نسخه اساس **گر شاسپ نامه** چاپ مرحوم یغمایی نیز بیت، برافزوده و در هامش است و ایشان نیز به تبع آن، بیت را در حاشیه متن آورده‌اند.

شهرت و رواج این بیت به اندازه‌ای بوده و هست که علاوه بر کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌های علمی، در «شعر» بزرگان و محققان معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است چنانکه برای نمونه مرحوم استاد وحید دستگردی در منظومه «سرگذشت اردشیر بابکان» ضمن انتقاد از نظر پیشینیان درباره زن، از جمله به این بیت هم – با ذکر صورت کامل آن در حاشیه و انتسابش به فردوسی – اشاره کرده‌اند:

یکی گوید چون ازدهای ناپاک

همان بهتر که پاک از زن شود خاک ۲۳

دکتر قدمعلی سرامی نیز ظاهراً با قبول انتساب بیت به فردوسی، نپسندیده‌اند که بیتی این چنین از وی باشد – که البته نیست.

الا رستم هفت خان سخن

نه مردی است دشنام گفتن به زن

زن و ازدها هر دو در خاک به؟

جهان پاک از این هر دو ناپاک به؟

نه، این بیت ناسخته آن تو نیست

نه این زخم تیغ زبان تو نیست

هنر را تو گوهر بسی سفته‌ای

به جا گفته‌ای هر چه را گفته‌ای

به مردی فرا رفته‌ای تا ستیغ

ندانسته‌ای ژرف زن را دریغ ۲۴

در کتاب **ریاض الحکایات** تألیف آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف

(وفات: ۱۳۴۰ هـ. ق) باب «حکایات متعلقه به زنان» چنین آغاز می‌شود:

«زن و ازدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این هر دو ناپاک به

گفته‌اند که **شاعر مذکور** چون این شعر را بگفت زنی این خبر را

برای زن شاعر آورد، چون به خانه آمد زن او چوبی به دست گرفته بر او

حمله کرد، مرد گفت چه کرده‌ام؟ گفت چرا چنین شعری گفته و زنان را

هجو نموده‌ای؟ گفت من چنین نگفتم بلکه گفته‌ام:

زن و ازدها هر دو پیغمبرند

فرستاده حضرت داورند» ۲۵

اگر دقت کنیم در این لطیفه ادبی، بیت به صراحت از فردوسی

دانسته نشده بلکه مؤلف تعابیر کلی «شاعر مذکور» و «شاعر» را به کار

برده است، از این روی یا سراینده بیت برای او ناشناخته بوده و یا اینکه

احتمالاً به رغم انتساب بیت به فردوسی در شاهنامه‌های زمان زندگی

مؤلف یا در ذهن و زبان مردم آن دوران، او برای حفظ شأن و احترام

فردوسی، به عمد نام وی را به عنوان گوینده بیت و شخصیت این حکایت ذکر نکرده است تا شاید به گمان خویش ساخت حکیم توس را از چنین لغزش‌هایی مبرا کرده باشد.

بیت موهن دیگری که در بحث «زن و شاهنامه» گاهی - از جمله همان گونه که در مصاحبه شادروان شاملو می‌بینیم - به فردوسی نسبت داده می‌شود، این است:

زنان را ستایی سگان را ستایی

که یک سگ به از صد زن پارسای
زنده یاد دهخدا نیز این بیت را در **امثال و حکم** (همان، ج ۲، ص ۹۱۹۱) به نام فردوسی آورده‌اند و پیش از آن، در لغت شهنامه عبدالقادر بغدادی (تألیف: ۱۰۶۷ ه. ق) هم بیت به عنوان شاهد واژه «ستا» آمده است^{۲۶} و فراهم آوردگان متن آن را به درستی جزو بیت‌هایی آورده‌اند که گوینده آنها معلوم نیست (ص ۶۳۴) نگارنده در حد جست‌وجوهای خویش این بیت را در متن و نسخه بدل‌های چاپ‌های معتبر شاهنامه ندیده است و آقای خطیبی نیز آن را در هیچ یک از چاپ‌های شاهنامه نیافته‌اند.^{۲۷} اما با توجه به بی‌تی از جامی شاید در نسخه‌ای از شاهنامه که در قرن نهم مورد استفاده وی بوده، این بیت وجود داشته و یا حداقل در زمان و مکان زندگی او به نام فردوسی مشهور بوده است. جامی در حکایت «سلیمان و بلقیس» از منظومه «سلامان و ابسال» گفته است:

خواجه فردوسی که دانی بخردش

بر زن نیک است نفرین بدش^{۲۸}

از آنجایی که وی «نفرین بد» فردوسی را بر «زن نیک» دانسته و در میان سروده‌های اصلی فردوسی در نکوهش زنان - به مناسبت روند و شرایط داستان - بی‌تی نیست که در آن فردوسی «زن نیک» را نفرین و سرزنش کرده باشد، به احتمال بسیار به بیت مجعول و الحاقی یاد شده توجه داشته که ناظم آن، «صد زن پارسا» را فروتر از «یک سگ» شمرده است و گویا مراد جامی نیز از «زن نیک» و «نفرین بد» به ترتیب همین «زن پارسا» و «فروتر از سگ بودن» است.

هر دو بیت «زن و ازدها...» و «زنان را ستایی سگان را...» بر ساخته کوتاه نظری ناشناخته است که خواسته عقیده زن ستیزانه خویش یا باور عمومی و غالب محیط و دوره زندگانی اش را با انتساب به فردوسی، شهرت و مقبولیت بخشد و البته در این مقصود نیز تا حدودی توفیق یافته است چون هنوز در جدیدترین پژوهش‌های علمی مربوط به «زن و شاهنامه» این بیت مبنای بحث و داوری درباره جهان بینی فردوسی قرار می‌گیرد. اهمیت نسبت دادن این دو بیت - و اساساً هر اندیشه و بینش درست و نادرست دیگری - به فردوسی به منظور تحکیم و ترویج آن به اندازه‌ای بوده است که نه تنها گوینده گمنام این دو بیت بلکه شاعران نامداری چون سنایی و جامی نیز با ارجاع به دو بیت از فردوسی در باب نکوهش زنان - که البته یکی اصیل و آن دیگری کاملاً الحاقی است - خواسته‌اند پایه‌های باور خویش را استوارتر و مقبولیت عمومی آن را بیشتر کنند.

نکته مهمی که یادآوری آن لازم می‌نماید این است که درباره دو بیت مورد بحث در این یادداشت و ابیات مشابه نباید دو موضوع «اشتهار» و «قطعیت انتساب» به فردوسی را درهم آمیخت^{۲۹} بدین معنی که در

حافظه شعری بعضی از ایرانیان (اعم از خواص و عوام) این دو بیت وجود دارد و به هر حال جهان بینی مرد ایرانی را در مقطعی از تاریخ اندیشه این سرزمین نشان می‌دهد اما نامبرداری و رواج ابیات به نام فردوسی هرگز دلیل انتساب قطعی آنها به وی نیست و اصالت یا الحاقی بودن بیت‌ها - و به تبع آن، نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر آنها - نیازمند دلایلی غیر از شهرت انتساب و تداول در حافظه عمومی جامعه است. نمونه‌های دیگر این اصل، دو بیت بسیار معروف زیر است که برخلاف اشتها آنها به نام فردوسی - حتی در میان برخی از ادبا و پژوهشگران - بیت نخست یقیناً و بیت دوم، به احتمال بسیار الحاقی و سروده دیگران است:

چو ایران نباشد تن من میاد

بر این بوم و برزنده یک تن مباد^{۳۰}

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی^{۳۱}

پانویس‌ها:

* نام مقاله بیشتر بر سر یادداشت کوتاهی از دکتر جلیل دوستخواه نیز در همین موضوع آمده است که در ادامه بدان اشاره و استناد خواهد شد.

۱- رک: دبیر سیاقی، سید محمد «چهره زن در شاهنامه»، فردوسی و شاهنامه (مجموعه سی و شش گفتار)، به کوشش علی دهباشی، انتشارات مدبر ۱۳۷۰، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲- رک: رزمجو، حسین: **قلمرو ادبیات حماسی ایران**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۲۰ و برای نقد این ارجاع و استناد رک: آیدنلو، سجدا: «سیری در قلمرو ادب حماسی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۷، اردیبهشت ۸۲، ص ۹۷.

۳- رک: منصور مؤید، علیرضا: **ارسال المثل در شاهنامه فردوسی**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۳، ص ۷۴، به مناسبت ذکر این بیت جزو امثال شاهنامه باید یادآوری کرد که در **امثال و حکم** مرحوم علامه دهخدا نیز بیت به نام فردوسی ثبت شده است. رک: **امثال و حکم**، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۲۷.

۴- رک: رنجبر، احمد: **جاذبه‌های فکری فردوسی**، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳، ص ۱۸۰.

۵- رک: جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **راز بقای ایران در سخن فردوسی**، انتشارات گنج دانش ۱۳۶۹، ص ۱۹۸.

۶- رک: یزدانی، زینب: **زن در شعر فارسی** (دیروز - امروز)، انتشارات فردوس ۱۳۷۸، ص ۶۲.

۷- رک: باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: **سنگ هفت قلم**، نشر علم، چاپ سوم ۱۳۶۹، ص ۱۶۲.

۸- رک: رازانی، ابوتراب: «زن در شاهنامه فردوسی»، سخنرانی‌های سومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه فردوسی، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۵۳، ص ۱۰۹.

۹- رک: محمدی، احمد: «سیمای زن در ادب حماسی و اساطیری ایران»، پیرامون ادبیات (۲) (گزیده مقالات مجله فرهنگ و زندگی ۱۳۴۸-۱۳۵۶)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۱، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۱۰- رک: آدینه، شماره ۷۲، مرداد ۱۳۷۱، ص ۱۷ و برای نقد آن، رک: دوستخواه،

جلیل: «نقد یا نفی شاهنامه؟ تحلیلی انتقادی از یک برداشت»، **حماسه ایران یادمائی از فرانسوی هزاره ها**، نشر آگه ۱۳۸۰، صص ۲۵۶-۲۶۱.

۱۱- رک: بهفر، مهری: «شاهنامه زن را انکار نمی کند»، **کتاب هفته**، شماره ۱۶ (پیاپی ۴۰۳)، ۲۴ شهریور ۸۰، ص ۱۳، به دنبال این اشاره دکتر دوستخواه در یادداشتی با نام «این بیت از فردوسی نیست» (**کتاب هفته**، شماره ۳۲ (پیاپی ۴۱۹) آذر ۸۰، ص ۲۹) الحاقی بودن این بیت را یادآور شدند که پاسخی از خانم بهفر نیز در پی داشت. رک: «زن سیزی در شاهنامه؟»، **کتاب هفته**، شماره ۳۹ (پیاپی ۴۲۶)، ۲۲ دی ۸۰، ص ۳.

۱۲- رک: تلخایی مهری: **شاهنامه و فمینیسم**، انتشارات ترفند ۱۳۸۴، ص ۸۲، در ص ۱۰۰ این کتاب نیز بار دیگر بیت مذکور جزو ابیات زن ستیزانه شاهنامه آمده است.

۱۳- رک: **شاهنامه** (چاپ بمبئی ۱۲۷۶ ق) تصحیح و توضیح ملک الشعرا بهار، به کوشش علی میرانصاری، انتشارات اشاد ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹، **شاهنامه**، به کوشش محمد رضایی، کلاله خاور، چاپ دوم ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۳۳۲، **شاهنامه**، انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۱، ص ۱۰۳، **شاهنامه**، به کوشش دکتر سید محمد دبیر سیاقی، انتشارات علمی ۱۳۷۰، ج ۲ ص ۴۸۲، بیت ۵۲۴ برای نشانی بیت در سایر چاپ ها، رک: خطیبی، ابوالفضل: «بیت های زن ستیزانه در شاهنامه»، **نشر دانش**، شماره ۱۰۵، تابستان ۸۲، ص ۲۰.

۱۴- برای معرفی و ارزیابی این نسخه ها، رک: خالقی مطلق، جلال: **گفتاری در شیوه تصحیح شاهنامه و معرفی دست نویس ها (ضمیمه دفتر یکم)**، انتشارات روزبهان (۱۳۶۹).

مفهوم قدرت در شاهنامه»، **زن و فرهنگ** (مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید)، به کوشش محمد میرشکرایی - علی رضا حسن زاده، نشر نی ۱۳۸۲، صص ۸۳ و ۸۴، خطیبی، ابوالفضل: «بیت های زن ستیزانه در شاهنامه» همان، صص ۲۰ و ۲۴، با وجود این اشارات، دلیل اینکه نگارنده بار دیگر به موضوع الحاقی بودن بیت «زن و ازدها هر دو...» پرداخته، عدم توجه و دقت بعضی از پژوهشگران به این نکته و استنادهای مکرر به آن، به نام فردوسی - حتی چنانکه ذکر شد در تازه ترین تحقیقات - است، از این روی نگارنده تکرار مستقل و مستند این بحث را برای روشن شدن و تثبیت واقعیت موضوع لازم دانست.

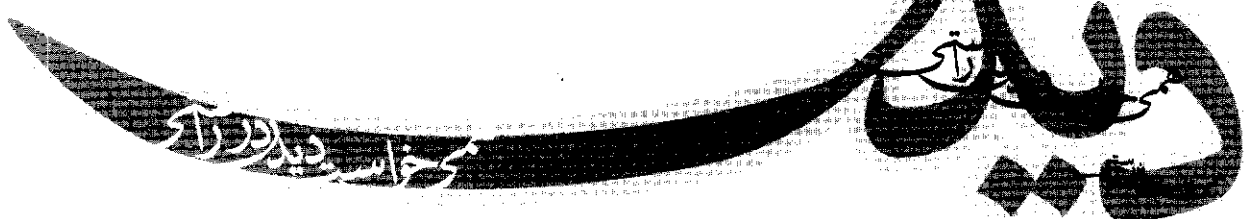
۲۰- دکتر جلال ستاری نیز این بیت را - و شاید بر پایه قول مرحوم دهخدا - به 'سدی توسی نسبت داده اند. رک: **سیمای زن در فرهنگ ایران**، نشر مرکز، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۱۳۳.

۲۱- رک: **گر شناسپ نامه**، تصحیح حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم ۱۳۱۷، ص ۲۶۰، حاشیه ۳.

۲۲- دامنه این نفوذ و الحاق محدود به یک یا چند بیت نبوده است و گاهی کاتبان، داستان / داستان هایی از **گر شناسپ نامه** را به طور کامل به شاهنامه پیوسته اند. برای نمونه در دست نویس شاهنامه کتابخانه سلطنتی مادرید (۹۰۱ ه.ق) در بخش جمشید، داستان آشنایی جمشید با دختر شاه زابل از **گر شناسپ نامه** اضافه شده است. در این باره رک: خالقی مطلق، جلال: «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، **گل رنجهای کهن**، به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.

۲۳- رک: ستاری، جلال: «زن، تصویر تقدیر آدمی است»، **هویت ملی و هویت فرهنگی** (بیست مقاله در قلمرو تاریخ و فرهنگ)، نشر مرکز ۱۳۸۰، ص ۱۹۶.

۲۴- رک: یزدانی، زینب: زن در شعر فارسی، همان، ص ۶۲ که این ابیات را از مجموعه شعر دکتر سرامی با نام «از دو نقطه تا همه چیز» نشر میثانه ۱۳۷۴، صص ۱۸۹ و ۱۹۰، باز



آورده است.

۲۵- رک: **ریاض الحکایات**، آیت الله ملا حبیب الله شریف، انتشارات مرسل، کاشان، چاپ سوم ۱۳۷۱، ص ۴۵.

۲۶- رک: بنگادی، عبدالقادر: لغت شاهنامه، تصحیح کارل، گ. زالمان، ترجمه، توضیح و تعلیق: توفیق ه. سجانی - علی رواقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۲، ص ۲۲۰.

۲۷- رک: «بیت های زن ستیزانه در شاهنامه»، همان، ص ۲۲.

۲۸- رک: **سلامان و افسال**، تصحیح محمد روشن، انتشارات اساطیر ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.

۲۹- یادآوری این نکته از آن روی است که خانم بهفر در پاسخ دکتر دوستخواه که بیت «زن و ازدها...» را الحاقی خوانده اند، نوشته اند: «ضرورت ذکر این بیت در بحث مربوط به یکی از نگاه های شاهنامه به «زن» **شهرت فراگیر آن نزد عموم است**». رک: «زن سیزی در شاهنامه؟»، **کتاب هفته**، همان.

۳۰- برای اشاره های درباره بر ساخته بودن این بیت، رک: بهار، محمدتقی (ملک الشعرا): «شعرهای دخیل و تصحیف ها در شاهنامه»، **فردوسی نامه بهار**، به کوشش محمد گلبن، مرکز نشر سپهر ۱۳۴۵، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۳۱- درباره الحاقی بودن این بیت، رک: دوستخواه، جلیل: «نقد یا نفی شاهنامه؟ تحلیلی انتقادی از یک برداشت»، همان، ص ۲۵۸، هم او: «شاهنامه شناسی در راه رهایی از آشوب»، **آشنا**، شماره ۲۹، خرداد و تیرماه ۱۳۷۵، صص ۲۲ و ۲۳.

۱۵- برای دینن ترتیب ابیات و کیفیت نسخه بدل ها، رک: **شاهنامه فردوسی**، به

کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، بنیاد میراث ایران یا همکاری بیلبوتکا برسیکا، کالیفرنیا و نیویورک ۱۳۶۹، دفتر دوم / ص ۳۳۴، **ظفر نامه** حمدالله مستوفی به انضمام شاهنامه فردوسی (به تصحیح حمدالله مستوفی)، مرکز نشر دانشگاهی ایران و انتشارات آکادمی علوم اتریش ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۷، شاهنامه همراه با خمسه نظامی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۹، ص ۱۷۳.

۱۶- رک: اختیارات شاهنامه، به انتخاب علی بن احمد، تصحیح: مصطفی جیحونی - محمد فشارکی، مرکز خراسان شناسی، مشهد ۱۳۷۹، صص ۹۰ و ۹۱، بیت ۷۲۳-۷۲۹.

۱۷- نگارنده به این نکته توجه دارد که «اختیارات شاهنامه» برگزیده ۳۴۱۷ بیت از کل شاهنامه است و بر این اساس بود و نبود بیت / ابیاتی در آن دلیل قطعی اصالت یا برافزودگی آن بیت / ابیات نیست ولی به هر حال این کتاب یکی از منابع فرعی مهم در مباحث متن شناسی شاهنامه است.

۱۸- رک: **حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۴، ص ۶۵۸.

۱۹- برای نمونه، رک: بصراری، طلعت: «زن در شاهنامه»، **رودکی**، شماره ۴۵، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۳، محمودی بختیاری، علیقلی: **شاهنامه ابشخور عارفان**، نشر علم ۱۳۷۷، ص ۲۴۲، دوستخواه، جلیل: «این بیت از فردوسی نیست» همان، مزداپور، کتابون: «زن و